

ولایت فقیه از دیدگاه شیعه و سنی

علیرضا صابریان^۱، روزیتا خواجه پور^۲

^۱ استادیار گروه الهیات، دانشگاه آزاد واحد سمنان، سمنان، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری الهیات و علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد سمنان، سمنان، ایران.

چکیده

ولایت یکی از ارکان مهم دو مذهب تشیع و تسنن می باشد و از دیدگاه‌های گوناگون قابل بررسی است. در این مقاله، مقایسه-ای اجمالی صورت گرفته و آرای شیعه و اهل سنت در مورد ولایت بیان گردیده و سعی شده بدون ترجیح نظر یک مذهب بر مذهب دیگر، فقط آرای موافق و مخالف مطرح شود؛ و نیز انواع ولایت در قرآن و مفاهیم و مصادیق آن با عنایت به آیات شریفه‌ای که در ارتباط با ولایت، مورد بحث می باشند مدنظر بوده است. مفسران شیعه و بعضی از مفسران سنی، یکی از مهم-ترین عوامل یأس کفار از زوال اسلام و تکمیل شدن دین را، مسئله ولایت حضرت علی (ع) به عنوان ولی و ادامه دهنده ولایت می‌دانند و می‌گویند در سال حجه الوداع به دنبال نصب امام علی (ع) به عنوان ولی آیه ای نازل گردید و آیه مورد نظر، اشاره به روز غدیر خم است.

واژه‌های کلیدی: ولایت فقیه، دیدگاه شیعه، دیدگاه سنی.

مقدمه

مسئله ولایت یکی از اساسی ترین و ریشه‌ای ترین مسائلی است که گستره آن تمامی دایره دین، از هدایت ظاهری و باطنی، عبادی و اجتماعی تا زعامت و خلافت و ... را در بر می گیرد. در باور تشیع و عرفان اسلامی ولایت همچون روحی در کالبد دین است که بدان حیات و زندگی می بخشد؛ زیرا قوام و استمرار دین، همچنین حیات دینی پیروان آن در گرو وجود کسی است که پاسدار حدود و مرزهای آن باشد و لازمه این معنا آن است که چنین شخصی، خود عالم و عارف به تمامی این حدود و قوانین آن باشد و این تنها برای کسی حاصل است که به نهایت درجه قرب به حق رسیده و صاحب مقام ولایت مطلقه الهی باشد تا بدین وسیله بتواند از مبدأ هستی، علوم و معارف دینی را اخذ نماید. چنین فردی نزد شیعه، تنها شخص امام معصوم (ع) و نزد اهل سنت حضرت رسول اکرم (ص) و نزد عرفاء ولی کامل محمدی (ص) است. کمتر کسی است که از اهمیت مسئله ولایت در دیدگاه اعتقادی شیعه، هر چند اجمالاً، مطلع نباشد، بلکه حتی به عقیده برخی، تشیع و ولایت مرادف با یکدیگرند، به گونه ای که اطلاق یکی، دیگری را در ذهن تداعی می نماید و شاید اگر بگوییم ولایت در عرفان، بخصوص در مکتب ابن عربی نیز دارای چنین اهمیتی است، گزاف نگفته ایم. انگیزه نگارنده از انتخاب این موضوع، محوری و مهم بودن بحث ولایت در میان مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً و در میان عرفاء به طور اخص است، چرا که همیشه این سؤال ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده که آیا ولایت مورد بحث در شیعه، همان ولایت مورد نظر در عرفان است یا نه.

معنای لغوی ولایت

واژه ولایت به فتح واو به معنای نصرت و یاری و به کسر واو به معنای امارت و تولیت است. ولایت مأخوذ از ولی به معنی قرب هم استعمال شده است. مطابق این معنا، ولایت دارای معنای عامی می شود که شامل هر نوع قرب و نزدیکی است. چنانکه راغب می گوید: ولاء و توالی آن است که دو چیز چنان باشند که میانشان چیز دیگری نباشد و به طور استعاره به نزدیکی، ولاء و توالی گویند خواه در مکان باشد یا صداقت یا نصرت یا اعتقاد.^۱

معنای لغوی ولی

ولی به معنای سرپرست و اداره کننده امر و نیز به معنی دوست و یاری کننده می آید. ولی از ولی است به معنی نزدیکی بدون فاصله و او کسی است که به تدبیر امور از دیگری احق و سزاوار است. به رئیس قوم والی گویند که به تدبیر و امر و نهی امور، نزدیک و مباشر است.^۲

معنای اصطلاحی ولایت

ولایت در اصطلاح به معنای قیام عبد به حق است. یعنی اخلاق او به اخلاق الهی و اوصاف او به اوصاف الهی مبدل گردد و این امر وقتی محقق می شود که حضرت حق، متولی امور او گردد تا آنکه او را به غایت قرب و تمکین برساند. به طور کلی ولایت در اصطلاح عبارت است از قرب و نزدیکی به خداوند.^۳

^۱ - قرشی، قاموس قرآن، ۲۴۵/۷.

^۲ - قرشی، قاموس قرآن، ۲۴۷/۷.

^۳ - یربئی، عرفان نظری، ص ۳۸۹.

معنای اصلاحی ولیّ

ولیّ در اصطلاح، کسی است که حق تبارک و تعالی به موجب آیه و هو یتولّی الصّالحین متولّی امور او گردیده است و وی را از عصیان و خذلان که نتیجه ارتکاب به معاصی است حفظ می کند و او را به مرتبه کمال رجال می‌رساند. یعنی مرتبه رجال لاتلهیهم تجاره ولایع عن ذکر اللهو رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه.

واژه ولایت در قرآن

در قرآن کریم ۲۳۳ بار مشتقات مختلف ماده «ولی» به کار رفته است. از این تعداد ۱۱۰ بار به صورت فعل (ماضی - مضارع - امر) و ۱۲۳ بار به صورت اسم به کار رفته است. در نزدیک به نیمی از استعمالات قرآنی واژه های خانواده ولایت به معنای لغوی به کار رفته اند و به دور از اصطلاحات فنی عرفانی، کلامی و فقهی ولایت می باشند. بر اساس موارد استعمال قرآنی، مراد از ولایت، نحوه ای نزدیکی بدون فاصله بین دو شیء است که موجب نوعی حق تصرف و مالکیت تدبیر در غیر می شود. در ولایت نوعی اولی و احق بودن به غیر از خود او نهفته است. یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ... ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا فرمان برید و از پیامبر و اولی الامر خویش اطاعت کنید. قرآن کریم در کنار ولایت پیامبر (ص) از ولایت مؤمنینی یاد می کند که در حال رکوع انفاق می کنند و بنابر روایات شیعی و بسیاری از مفسران اهل سنت، مراد از آن، حضرت علی (ع) است. إنما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکاه و هم راکعون و من یتول الله و رسوله والذین آمنوا فانّ حزب الله هم الغالبون. تنها خدا و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده اند ولیّ شمایند. همان کسان که نماز را برپا می دارند و زکات را می دهند در حالی که در رکوعند و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند، دوست بگیرد، پس بی گمان گروه خدا غلبه کنندگانند.

ولایت مؤمنین بر مؤمنین

قرآن از ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر خبر می دهد و می فرماید: مؤمنان برادران یکدیگرند: إنما المؤمنون اخوهو نسبت به هم ولایت دارند:

المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. مؤمنان نسبت به هم ولایت دارند و نتیجه این ولایت آن است که چون همدیگر را دوست دارند به ارشاد و هدایت یکدیگر بر می خیزند و به معروف امر و از منکر باز می دارند.

و نیز می فرماید:

یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولّهم منکم فأنه منهم ان الله لایهدی القوم الظالمین. ای کسانی که ایمان آورده اید! جهودان و ترسایان را دوست مگیرید، بعضی از ایشان دوستان بعضی دیگرند و هر که از شما آنها را دوست گیرد، به راستی او از ایشان است. بی شک خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. خداوند همچنین درباره ولایت ظالمان نسبت به هم می فرماید:

و انّ الظالمین بعضهم اولیاء بعض والله ولیّ المتّقین.

و بی گمان برخی از ستمکاران، دوستان برخی دیگر هستند و خدا یاور پرهیزکاران است.

مقام ولایت قابل وصول برای همگان است. مرحوم علامه طباطبایی درباره ولایت چنین فرموده اند: نزد معتقدان و باورداران ادیان آسمانی، هیچ تردیدی نیست که پیامبران با اختلاف مراتبی که دارند با ماورای این عامل، اتصال و ارتباط داشته از امور باطنی باخبر هستند؛ اما آیا این امر، تنها منحصر به آنان است و یک بخشش و موهبت الهی است که تنها نصیب آنان شده است یا اینکه این امر، مختص و منحصر به ایشان نبوده و برای دیگران هم امکان پذیر است؟

تحکیم ولایت

۱. از دیدگاه شیعه، پیامبر اکرم (ص) برای تحکیم هرچه بیشتر ولایت، اموری را مورد توجه قرار داد که به آنها اشاره می شود: ۱. جمله «من كنت مولاة فعلی مولاة» را سه مرتبه تکرار کرد.
۲. وقتی علی (ع) را معرفی کرد سه مرتبه از مردم شهادت گرفت.
۳. پس از معرفی امیرالمؤمنین (ع) فرمود: حاضران به افراد غایب خبر دهند.
۴. با اتمام معارف به مردم فرمود: ولایت علی را به من تهنیت گوید.
۵. به دنبال معارف از سران خواست تا به علی (ع) تهنیت گویند و به امیرمؤمنان فرمود: زیر خیمه ای بنشینند تا سران با او مصافحه کنند و ولایت او را تبریک گویند که پیشاپیش همه، ابوبکر و عمر به آن حضرت تبریک گفتند.

عقیده وصایت و جانشینی حضرت علی (ع)

مهمترین مسئله اختلافی بین اهل سنت و شیعه، مسئله وصایت و جانشینی پیامبر اکرم (ص) می باشد از نظر کلامی، اهل سنت بر این اعتقاد است که پیامبر اکرم (ص) در طول حیات خود، نسبت به مسئله امام و جانشین خود، انتخاب نکرد، بلکه این امر را به عهده امت اسلامی واگذاشت تا خود، هر که را صلاح بدانند، برگزینند؛ اما شیعه بر این اعتقاد است که پیامبر اکرم (ص) از همان ابتدای رسالت نسبت به مسئله خلافت و جانشینی خود حساس بود و در همان سال های آغازین رسالت، حضرت علی (ع) را به عنوان وزیر و وصی خود برگزید و در طول عمر مبارک خود بارها به این مسئله تصریح فرمود.

با اهمیت ترین این موارد از نظر تاریخی در روز هیجده ذیحجه سال دهم هجرت بود که در حضور بیش از صد هزار نفر مسلمان، این مسئله را برای همه مسلمانان حاضر اعلام داشت. اهل سنت نیز گرچه از نظر کلامی اعتقاد یاد شده را دارند، اما در کتب تاریخی و روایی خود احادیث فراوانی را آورده اند که در آنها به جانشینی حضرت علی (ع) پس از پیامبر اکرم (ص) تصریح شده است. گوشه ای از روایاتی که شیعه با آنها وصایت و جانشینی حضرت علی (ع) را اثبات می کند و بسیاری از علمای اهل سنت هم به آنها معترفند، بدین گونه است:

حدیث یوم الدار

این حدیث در بسیاری از کتب تاریخ اهل سنت مانند تاریخ طبری، تاریخ الکامل ابن اثیر و البدایه و النهایه ابن کثیر با تفاوت هایی در نقل وارد شده است. مضمون حدیث از این قرار است: در اوایل بعثت که آیه و اندر عشیرتک الاقربین نازل شد، پیامبر اکرم (ص) جلسه میهمانی مرکب از خویشان خود ترتیب داد و در آنجا رسالت خود را اعلام کرد و فرمود: «فایکم یؤازرنی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصیی و خلیفتی فیکم». سه مرتبه این مطلب را تکرار فرمود و در هر مرتبه غیر از حضرت علی (ع) هیچ کس اعلام موافقت نکرد. سرانجام پیامبر اکرم (ص) در پایان مرتبه سوم فرمود: «ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا» این شخص (حضرت علی (ع) برادر من، وصی من و جانشین من در میان شماست، پس سخنان او را گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید).

حدیث منزلت

ماجرای این حدیث، بدین گونه است: پیامبر اکرم (ص) در غزه تبوک، به همراه بسیاری از اصحابش از مدینه خارج شدند و به سمت رومیان به راه افتادند و برای اینکه مدینه از رهبر خالی نماند، حضرت علی (ع) را به جای خود در مدینه گذاشتند. بعضی از اصحاب زبان به طعنه گشودند و گفتند: پیامبر (ص) علی (ع) را در مدینه گذاشته مواظب زنان و بچه ها باشد. حضرت علی (ع) به پیامبر اکرم (ص) شکایت برد و آن حضرت (ص) در آن هنگام این جمله تاریخی را فرمود: «انت منی بمنزله هارون من

موسی الا انه لا نبی بعدی» (منزلت تو نسبت به من مانند منزلت هارون نسبت به موسی است، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست).
این نکته برای همگان واضح است که هارون، وصی موسی بود.

حدیث غدیر

ماجرای این حدیث از این قرار است: وقتی که پیامبر اکرم (ص) با تعداد زیادی از اصحاب خود، که آنان را تا صد و بیست هزار نفر ذکر کرده اند، از آخرین سفر حج خود، که حجه الوداع نامیده شد، به مدینه باز می گشت، این آیه بر آن حضرت (ص) نازل شد: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ای رسول! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شد، به مردم ابلاغ کن و اگر آن را ابلاغ نکنی در حقیقت، رسالت خود را ابلاغ نکرده ای. (و از مردم نترس که) خدا تو را از مردم حفظ خواهد کرد.
با نزول این آیه، پیامبر اکرم (ص) در مکانی به نام غدیر خم که راه کاروان‌های مختلف از هم جدا می شد، فرمان توقف داد و امر کرد منبری از چوب محمل‌های شتران برای آن حضرت (ص) فراهم کردند. آنگاه به روی منبر رفته فرمود: «الست اولی بالمؤمنین من انفسهم» (آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر (به تصرف در امورشان) نبودم؟) همه گفتند: آری، ای رسول خدا. آنگاه آن حضرت (ص) در حالی که دست علی (ع) را بالا گرفته بود، فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اعن من اعانه و اخذل من خذله» (هر کس که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. خدایا! دوست بدار هر آن کس را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر آن کس را که با او دشمنی کند. یاری کن هر آن کس را که او را یاری کند و کمک کن هر کسی را که به او کمک دهد و خواری ساز هر کس را که او را خوار سازد). بسیاری از مردم از شنیدن این جملات خوشحال شدند و سپس دسته دسته نزد حضرت علی (ع) رفته، تبریک گفتند که در میان این تبریک گویندگان چهره عمر بن خطاب نیز به چشم می خورد که چنین تبریک گفت: «بخ بخ لک یا ابن ابی طالب اصبحت مولای و مولی کل مسلم» (مبارک باد بر تو ای پسر ابی طالب که هم اکنون مولای من و مولای هر مسلمانی گشتی).
پس از این ماجرا بود که این آیه نازل شد:

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً.

امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم.

حدیث ثقلین

این حدیث چنین است: پیامبر اکرم (ص) در روزهای آخر زندگانی خود به اصحاب چنین فرمود: «انی اوشک ان ادعی فاجیب و انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله عزوجل و عترتی. کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی، انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظرونی بم تخلفونی فیهما» (ای مردم! نزدیک است که از سوی پروردگارم خوانده شوم و دعوت او را اجابت کنم. من در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم: یکی کتاب خداوند عزوجل و دیگری عترتم را. کتاب خداوند ریسمان محکمی است که از آسمان تا زمین کشیده شده است و عترت من همان اهل بیتم می باشند. این دو از هم جدا نمی شوند تا بر سر حوض (کوثر) بر من وارد شوند. پس ملاحظه کنید که چگونه پس از من با آنها رفتار می کنید).

زعامت سیاسی و اجتماعی

اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ...
همچنین می فرماید:

النبي اولى بالمؤمنين من انفسهم ...

ولایت در اموال عمومی

از وظایف رهبری در امور اجتماعی، اداره امور مالی و اقتصادی مسلمانان است که شخص پیامبر گرامی در دوران حیات خود، آن را اداره می کرد و قرآن او را به فرمان زیر مخاطب ساخت:

خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم بها ... از اموال آنان زکات بگیر و از این طریق آنها را پاکیزه گردان.

علی (ع) و مسئله وصایت از دید عرفانی اهل سنت

در همه طریقت های عرفانی اهل سنت، پس از آنکه مرید دست ارادت به شیخی داد، می باید کاملاً و بدون چون و چرا مطیع اوامر آن شیخ یا مرشد گردد و به گفته حافظ:

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها
بدین سبب بعضی عرفا بر این باورند که مقام ولایت (یا خرقه ولایت) از طرف پروردگار در شب معراج به پیامبر اکرم (ص) تفویض گردید و آن حضرت این منصب را به علی (ع) داد. سرانجام برای حسن ختام این بخش و ترک تطویل، با سعدی شیرازی هم‌نوا می شویم:

جوانمرد اگر راست خواهی ولی است کرم پیشه شاه مردان علی است

واقعه غدیر خم

پیامبر گرامی (ص) در سال دهم هجرت برای انجام فریضه و تعلیم مراسم حج به مکه عزیمت کرد. این بار انجام این فریضه با آخرین سال عمر پیامبر عزیز، مصادف شد و از این جهت آن را «حجه الوداع» نامیدند. افرادی که به شوق همسفری و یا آموختن مراسم حج همراه آن حضرت بودند تا صدوبیست هزار تخمین زده شده اند. فرمان خدا به رسول گرامی، طی آیه زیر نازل شد: ای پیامبر! آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است به مردم برسان و اگر نرسانی رسالت خدای را به جا نیاوردی.

ولایت فقیه از نظر شیعه

شیعه امامیه (اعم از اسماعیلیه و دوازده امامی) معتقد است که حکومت امری است الهی و حاکم بر مردم را خدا باید برگزیند و پیغمبر و امامان حاکم برگزیده خدایند و جز اینان کسی دیگر حق حکومت ندارد.

سخنی از مرحوم آیت اله بروجردی (ره)

از مرحوم آیت الله بروجردی نقل شده که فرمود: رهبری جامعه مسلمین بدون تردید از زمان رسول خدا بوده و سپس به ترتیب به حضرات معصومین منتقل گردیده است، به طوری که مسئله رهبری سیاسی از وظایف حتمی آن بزرگواران بوده است و اصحاب بزرگواران حضرات در این گونه مسائل فقط به آنان مراجعه می کردند.

مرحوم نراقی نیز تصریح فرموده: «آنچه نبی و امام، که حاکمان و حافظان مردم می باشند، بر آنها ولایت دارند، فقیه هم آن اختیارات را دارد، مگر چیزی که دلیل برخلاف آن قائم شود.»

بنابراین آیت الله بروجردی، فقیه را جانشین امام معصوم در تمام امور عامه می داند ولی در عین حال تلاش برای ایجاد حکومت را لازم ندانسته و بدان اشاره هم نفرموده است.

نظر امام خمینی (ره) درباره ولایت فقیه

حضرت امام خمینی (ره) درباره ولایت فقیه چنین فرموده اند: اکنون که دوران غیبت امام (ع) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست تشکیل حکومت لازم می‌آید. اگر فرد لایقی که دارای دو خصلت «عدالت» و «برخورداری از کمال اعتقادی و اخلاقی» باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

دیدگاه قرآن و حدیث درباره حکومت فقیه

در قرآن مجید جز دستور «پیروی از خدا و پیامبر و اولوالامر» و مراجعه به «اهل ذکر» در صورت عدم علم، آیاتی که بتوان مضمون آنها را بر پیروی از دانایان و افراد عادی تطبیق کرد یافت نمی‌شود. ولی شیعه معتقد است که منظور از «اولوالامر»، «امام معصوم» است و بیشتر مفسران «اهل ذکر» را به معنای «دانایان تاریخ» یا «اهل علم» دانسته‌اند و بعضی هم گفته‌اند منظور «آشنایان به قرآن» یا «ائم معصومین» می‌باشند و در هر صورت آیه دوم که در آن «اهل ذکر» آمده ناظر به چگونگی ارسال پیامبران است نه اجرای احکام. بنابراین نمی‌توان از آیات قرآن در مورد حکومت غیر معصوم، مطلبی به دست آورد. حضرت علی ع وقتی مردم برای بیعت با او اصرار ورزیدند فرمود: «من برای شما وزیر باشم بهتر است که امیر شما گردم.» بر بعضی از این روایات مانند مقبوله عمر بن حنظله تأکید بسیار نموده‌اند.

آیات ولایت در تفاسیر شیعه و سنی

آیه اکمال دین و اتمام نعمت، آیه ولایت و آیه تبلیغ

ولایت در نهج البلاغه

ولایت از معدود کلماتی است که در قرآن، همچنین در احادیث، در معانی مختلفی به کار رفته است و به همین جهت، در تفسیر آیات و روایات مربوط به آن میان علمای شیعه و سنی، اختلاف نظر هست. در میان آیات قرآن، سه آیه شریفه سوره مائده، (۳، ۵۵، ۶۷) در ارتباط با «ولایت» مورد بحث مفسران شیعه و سنی می‌باشد.

آیه اکمال دین و اتمام نعمت

آراء متفاوت مفسران در مورد سه آیه مذکور

آیه اکمال دین: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً. امروز دین شما را برای شما به حد کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما (به عنوان بهترین) آیین برگزیدم.

مفسران شیعه و بعضی از مفسران سنی، یکی از مهم ترین عوامل یأس کفار از زوال اسلام و تکمیل شدن دین را، مسئله ولایت حضرت علی (ع) به عنوان ولی و ادامه دهنده ولایت می‌دانند و می‌گویند این آیه در سال حجه الوداع به دنبال نصب امام علی (ع) به عنوان ولی نازل گردید و آیه فوق، اشاره به روز غدیر خم است، چرا که کفار و یهودیان امیدوار بودند با از بین رفتن ولایت پیامبر، دین اسلام نیز از بین برود.

آیه در حجه الوداع در سال دهم هجری، هشتاد روز قبل از وفات پیامبر (ص) نازل گردید. زمخشری می‌گوید آن روز، روز جمعه و حجه الوداع بود. برخی گویند: یعنی نعمت خودم را بر شما تمام کردم و به شما علم و حکمتی دادم که پیش از شما به پیامبری و امتی داده نشده بود.

برخی نیز گویند: تمام کردن نعمت، بهشت است.

آیه ولایت

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم راکعون ولی (امر و یاور) شما تنها خدا و رسول اوست و مؤمنانی که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع (به فقیران) زکات می‌دهند. این آیه در اصطلاح آیه ولایت نامیده می‌شود و بسیاری از اهل تفسیر و روایت و تاریخ، از آن به همین عنوان یاد کرده‌اند. ابن عباس و عمار بن یاسر و برخی دیگر از صحابه در شأن نزول این آیه آورده‌اند هنگامی که حضرت علی (ع) انگشتی خویش را در حال رکوع به فقیری بخشید، این آیه نازل شد.

حسکانی، عالم و محدث بزرگ اهل سنت در مورد نزول آیه ولایت درباره علی (ع)، ۲۸ روایت نقل کرده است. زمخشری در تفسیر خود می‌نویسد:

آیه «انما ولیکم الله...» در خصوص علی (ع) نازل گردید وقتی که سائل سوال کرد و او در حال رکوع، در نماز بود و انگشت خود را بخشید.

سیوطی روایات متعددی آورده است که آیه ۵۵ سوره مائده راجع به علی (ع) می‌باشد. «انما ولیکم الله...» در مورد علی بن ابیطالب نازل شد و طبرانی در اوسط و ابن مردویه از عمار بن یاسر آورده است که گفت: سائلی نزد علی (ع) ایستاده بود و در حالی که او در رکوع نماز بود، چیزی را بخشید، پس انگشت خود را در آورد و آن را به سائل عطا نمود، آنگاه رسول خدا (ص) آمد و از این امر آگاه شد و بر نبی این آیه «انما ولیکم الله...» نازل شد و رسول خدا (ص) بر اصحابش قرائت کرد، سپس فرمود: هر کس من مولای اویم، پس علی مولای اوست، خدایا دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار.

ابوبکر رازی در کتاب «احکام قرآن» بنابر نقل مغربی و زمانی و طبری روایت کرده است که این آیه هنگامی نازل شد که علی ع در حال رکوع انگشتی خود را صدقه داد. هر گاه «ولی» کسی باشد که مدبر امور مردم و اطاعتش بر مردم واجب باشد و ثابت شود که مقصود از «الذین آمنوا» علی (ع) است، بوسیله نص قرآن، امامت او ثابت و واضح خواهد بود.

آیه تبلیغ

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رساله و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین. ای پیغمبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده (به خلق) برسان و اگر نرسانی (ادای وظیفه) و تبلیغ رسالتش را نکرده‌ای. علامه امینی، عبارات سی تن از مفسران بزرگ اهل سنت، از جمله ترمذی، طحاوی، حاکم نیشابوری، قرطبی، ابن حجر عسقلانی و ابن کثیر را یاد کرده که همگی آنان ذیل آیه مذکور، به نزول این آیه در ارتباط با حدیث غدیر تصریح کرده‌اند. همچنین علامه امینی در جلد یک «الغدیر» نام سیصد و شصت نفر از علما، اعم از شیعه و سنی را که حدیث غدیر را از صحابه نقل کرده‌اند ذکر کرده است.

همچنانکه در آیه ۱۳ سوره مائده آمده است که بارها نسبت به جان رسول خدا، سوء قصد کردند اما خداوند او را از آسیب توطئه‌ها مصون داشت و نیز در آیات ۴۲ و ۶۴ سوره مائده:

و ان تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً؛ و چنانچه از آنها روی بگردانی، هرگز (کوچک ترین) زبانی به تو نتواند رسانید. مرحوم طبرسی در تفسیر آیه مورد نظر چنین می‌گوید: خداوند در این آیه، پیامبر خود را امر به تبلیغ می‌کند و او را وعده می‌دهد که از شر دشمنان محافظت می‌کند. یا ایها الرسول: خطاب است به منظور تجلیل مقام نبوت.

بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رساله: مفسران قرآن مجید درباره این آیه زیاد گفت و گو کرده‌اند. حسن گوید: خداوند متعال پیامبر را به رسالتی مبعوث کرده بود که خود را در برابر آن ناتوان می‌دید و از قریش بیمناک بود، به وسیله این آیه، ترس و بیم او را زایل کرد. عایشه گوید: این آیه تو هم اینکه پیامبر به خاطر تقیه، قسمتی از وحی خدا را کتمان کرده است، برطرف می‌کند.

ابن عباس می‌گوید: یعنی اگر یکی از آیات خدا را کتمان کنی، رسالت خداوند را انجام نداده و امر خدا را امتثال نکرده‌ای. والله یعصمک من الناس: و خداوند مردم را از اینکه به تو آسیبی برسانند، منع می‌کند.

سید محمد رشید رضا می‌نویسد: روات شیعه نقل کرده‌اند: مراد از «ما انزل الیک من ربک» تصریح به خلافت علی بعد از حضرت رسول (ص) می‌باشد.

آلوسی، اقوال مختلف را در مورد سبب نزول این آیه ذکر کرده و از جمله اشاره نموده به اینکه در غدیر خم پیامبر اشاره فرموده به ولایت و خلافت علی (ع) و بعد نظر خود را مطرح می‌سازد و می‌گوید: اخبار غدیر مبنی بر جانشینی علی، نزد ما پذیرفته نیست.

ولایت در نهج البلاغه

واژه والی ۱۸ بار، واژه واه (جمع والی) ۱۵ بار، ولایت و ولایات ۹ بار در نهج البلاغه به کار رفته است. در اواخر خطبه دوم، از قول علی بن ابیطالب (ع) چنین آمده است: آل پیامبر (ص)، نگهدارنده راز پنهان و پناه فرمان آن حضرت و خزینه دانش آن وجود محترمند و مرجع حکمت‌های آن جناب و حافظ کتاب‌هایش (قرآن و سنتش). آنان برای دینش مانند کوههایی مستحکمند. حضرت رسول (ص) به کمک آنان پشتش را راست کرد و لرزش بدنش را زایل نمود

در قسمتی از خطبه ۱۵۴ می‌فرماید: ما اهل بیت پیامبر (ص)، از جهت قرب و نزدیکی به حضرت رسول (ص)، همچون پیراهن تن اویم و اصحاب آن بزرگواریم و خزانه داران و درهای علوم و معارفش؛ و داخل خانه‌ها نتوان شد مگر از درها، کسی که از غیر در، وارد خانه شود، دزد خوانندش.

نتیجه‌گیری

مفسران شیعه و بعضی از مفسران سنی، یکی از مهم‌ترین عوامل یأس کفار از زوال اسلام و تکمیل شدن دین را، مسئله ولایت حضرت علی (ع) به عنوان ولی و ادامه دهنده ولایت می‌دانند و می‌گویند در سال حجه الوداع به دنبال نصب امام علی (ع) به عنوان ولی آیه ای نازل گردید و آیه مورد نظر، اشاره به روز غدیر خم است، چرا که کفار و یهودیان امیدوار بودند با از بین رفتن ولایت پیامبر، دین اسلام نیز از بین برود. علامه امینی، عبارات سی تن از مفسران بزرگ اهل سنت، از جمله ترمذی، طحاوی، حاکم نیشابوری، قرطبی، ابن حجر عسقلانی و ابن کثیر را یاد کرده که همگی آنان ذیل آیه ولایت، به نزول آیه تبلیغ در ارتباط با حدیث غدیر تصریح کرده‌اند. همچنین علامه امینی در جلد یک «الغدیر» نام سیصد و شصت نفر از علماء اعم از شیعه و سنی را که حدیث غدیر را از صحابه نقل کرده‌اند ذکر کرده است. در جمع بندی نهایی می‌توان گفت که ولایت فقیه برای ادامه ربه رشد نهال اسلام امری ضروری، روشن و مستندی است که اهل شیعه به جد بدان معتقد می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن تیمیه حرّانی، منهج السنّة النبویّة، مکتبه ابن تیمیه، قاهره: ۱۴۰۹، چاپ دوم.
۴. ابن حجر، فتح الباری فی شرح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن حزم، علی بن احمد، الفصل فی الملل و الأهواء النحل، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ هـ ق. چاپ اول.
۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۴۰۵.
۷. ابن سیده، ابی الحسن علی بن اسماعیل، المخصّص، بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ هـ ق.
۸. ابن شهر آشوب، مشیر الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف: المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۶ هـ ق.
۹. ابن عبدالبر، الاستیعاب، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ هـ ق. چاپ اول.
۱۰. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ ق.
۱۱. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس فی اللغه، بیروت: دارالفکر، ۱۸۱۴ هـ ق.

۱۲. ابن مغزلی، مناقب مغزلی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ هـ ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰ م.
۱۴. ابوالنضر، محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی، تفسیر العیاشی، تهران: المکتبۃ العلمیۃ الاسلامیۃ، ۱۳۸۰.
۱۵. ابو عیسی، محمد بن عیسی بن سروه، سنن الترمذی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. اربیلی، علی بن عیسی، کشف الغمۃ فی معرفۃ الائمه، ترجمه علی بن حسین واریسی، تهران: انتشارات ادب الحوضه واسلامیه، ۱۳۶۴، چاپ دوم.
۱۷. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق محمود محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۱۸. تهرانی، حسین، سؤالات ما، نشر حاذق، چاپ کوثر ۱۴۲۸ هـ ق.
۱۹. جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی، نظم درالسمطین.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ چهارم.
۲۱. الحافظ ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب النسائی، خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، تحقیق محمد کاظم المحمودی، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۹ هـ ق، چاپ اول.
۲۲. الحافظ ابوبکر عمر بن ابی عاصم الضحاک بن مخلد الشیبانی، کتاب السنه، تحقیق محمد ناصرالدین الالبانی، بیروت: المکتبۃ الاسلامی، چاپ سوم.
۲۳. الحافظ ابوعبدالله محمد بن یزید القزوی، سنن ابن ماجه، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م.
۲۴. حافظ گنجی، محمد بن یوسف، کفایۃ الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، دار احیاء تراث اهل البيت، ۱۴۰۴ هـ ق.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۸۶ م، چاپ اول.
۲۶. حسینی استرآبادی، شرفالدین علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، تحقیق حسین استاد ولی قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ هـ ق.
۲۷. حسینی میلانی، سیدعلی، نگاهي به حدیث منزلت، قم: الحقائق، ۱۳۹۰.
۲۸. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب عربی، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ اول.
۲۹. دهلوی، شاه عبدالعزیز، تحفه اثنا عشریه، کتابخانه، پیشاور پاکستان.
۳۰. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، مصر: مکتبه عبدالرحمن محمد، ۱۳۵۷ هـ ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۶۲ هـ ق، چاپ دوم.
۳۲. ربانی گلپایانی، علی، امامت در بینش اسلامی، قم: نشر تبیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۳. زرشکی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ هـ ق، چاپ اول.
۳۴. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن احمد، اساس البلاغه.
۳۵. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، قم: مدیریت الحوزة العلمیه، چاپ اول.
۳۶. سید مرتضی، علی بن الحسین، الشافی فی الامامه، تهران: مؤسسه الصادق، ۱۴۰۷ هـ ق.

Velayat Faqih from the Shia and Sunni point of view

Alireza Saberian¹ and Rozita Khajepour²

1- Assistant Professor, Department of Theology, Semnan Azad University, Semnan, Iran.

2- Ph.D. student of Theology and Qur'anic and Hadith Sciences, Semnan Azad University, Semnan, Iran.

Abstract

The Velayat is one of the important pillars of the two Shiite and Sunni religions and can be examined from various perspectives. In this study, a brief comparison is made and the Shi'a and Sunni opinions about the Velayat are expressed and attempts have been made without the preference of a religion to the other religion, only the opposite views. It is also, various types of Velayates in the Quran and concepts and examples that they have been considered in connection with the Shari'ah verses relating to the Velayat. Shiite commentators and some Sunni commentators, one of the most important factors of despondent disbelief of the decline of Islam and the completion of religion, consider the question of the Prophet Ali (PBUH) as the governor and governor of the province and say that in the year Hajj al-Wadah sought the installation of Imam Ali (As) was revealed as a verse but the meaning of the verse refers to the day of Ghadir Kum.

Keywords: Velayat-e Faqih, Shi'a viewpoint, Sunni viewpoint
